

## خبر

**بر خورد پلیس بادالایی و فروش اعضای بدن در فضای مجازی**

**شهروند** | سال هاست آگهی‌های فروش اعضای بدن در خیابان‌ها خودنمایی می‌کنند، اما در چند سال گذشته و با گسترش استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، این آگهی‌ها به فضای مجازی هم رسید و هر روز هم بر تعداد آنها افزوده می‌شود. در ادامه واکنش‌ها به چنین آگهی‌هایی، دیروز رئیس پلیس فتای تهران بزرگ از برخورد با هر گونه فعالیت در زمینه خرید و فروش اعضای بدن در فضای مجازی با دستور قضائی خبر داد.

«تورج کاظمی» درباره برخی آگهی‌ها که اخیرا در فضای مجازی در مورد خرید و فروش اعضای بدن منتشر شده است، به ایسنا گفت: «تیم‌های رصد پلیس فتا این موارد را رصد می‌کنند و علاوه بر آن به شکایات و گزارش‌های شهروندان نیز به‌فوری رسیدگی می‌شود. در این موارد کارآگاهان پلیس فتا، اطلاعات و مستندات را جمع‌آوری و پس از تکمیل آن، پرونده را به مقام قضائی ارایه می‌کنند که در صورت تایید مقام قضائی، نسبت به برخورد با این موارد اقدام خواهد شد.»

او با بیان اینکه مواردی نظیر اینکه آیا فرد شخصا آگهی داده یا افراد سودجو به‌عنوان دلال و واسطه دست به چنین اقدامی زده‌اند نیز بررسی خواهد شد، گفت: «در برخی از این موارد ممکن است حتی اقدامات مجرمانه و کلاهبرداری نیز صورت بگیرد که پلیس فتا با دستور قضائی با آن برخورد خواهد کرد.» رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با اشاره به اقدامات پلیس در این باره، توضیح داد: «موردی از این دست با دستور قضائی در پلیس فتای تهران در حال پیگیری است و با توجه به اینکه اخیرا چنین مواردی در حال رویت در فضای مجازی است، مانیز بر حسب دستور نسبت به شناسایی و رصد این سایت‌ها و شبکه‌ها و حساب‌های کاربری مربوط به آن اقدام خواهیم کرد.»

کاظمی همچنین به شهروندان توصیه کرد که با توجه به شرایط روحی و روانی خانواده‌هایی که به دنبال پیوند اعضا هستند، حتما از طریق مراجع رسمی و بیمارستان‌ها برای این امر اقدام کنند، چرا که در آن شرایط روحی و روانی احتمال اینکه افراد سودجو به‌راحتی اقدام به کلاهبرداری از آنان کنند، وجود دارد. علاوه بر این، انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی ایران اعلام کرد: «با دستور دادرسی جرایم رایانه‌ای و فناوری اطلاعات به پلیس فتا، سایت‌های فعال در خرید و فروش کلیه و دیگر اعضای بدن توقیف و کلیه اعضای فعال در آن به دادسرا معرفی خواهند شد.»

در این زمینه باز پرس ناحیه ۳۱ تهران (ویژه مبارزه با جرایم رایانه‌ای و فناوری اطلاعات) با صدور دستور قضائی، پلیس فتا را موظف کرد برای جلوگیری از اشاعه شبکه‌های قاچاق خرید و فروش اعضای بدن، خارج از مقررات وزارت بهداشت و متولیان امر، نرم‌افزارهای فضای مجازی با نام تلگرام، واتس‌آپ و نظایر آن و سایت‌ها را مورد بررسی قرار دهد و در صورت مشاهده فعالیت‌هایی در زمینه خرید و فروش اعضای بدن به‌ویژه کلیه، گزارش این فعالیت‌ها را به دادسرا اعلام و نسبت به انسداد سایت یا شبکه‌های مجازی اقدام کند.

پیش از این، «شهروند» در گزارشی با عنوان «یک آگهی عجیب» به زندگی دوم مرد ۲۰ و ۲۳ساله که آگهی فروش برخی از اعضای بدن خود از جمله چشم و کلیه را منتشر کرده بودند، پرداخته بود. علاوه بر این، مدیرعامل انجمن اهدای عضو درباره چنین آگهی‌هایی به «شهروند» گفته بود که وظیفه وزارت بهداشت است که این آگهی را پیگیری کند، چرا که این آگهی ذهن جامعه را مخدوش می‌کند.

**یک خرس قهوه‌ای****با گلوله تفنگ شکاری کشته شد**

**برنا** | رئیس اداره حفاظت محیط زیست تالش از کشته شدن یک خرس قهوه‌ای با گلوله تفنگ شکاری خبر داد و گفت: «این خرس قهوه‌ای با اصابت ۷ گلوله تفنگ شکاری در روستای کوهستانی و جنگلی حسن دیومانی کشته شد.» شادکام افروز: «هالی روستا لاشه این خرس که از ناحیه سینه و پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفته است را در میان درختچه‌ها پیدا کردند و به اداره محیط زیست اطلاع دادند.» به گفته او، این خرس قهوه‌ای نر و ۹ ساله بود. بر اساس اعلام رئیس اداره حفاظت محیط زیست تالش، تحقیقات برای دستگیری شکارچی و یا شکارچیان متخلف ادامه دارد.

**بستن کمر بند می تواند خطر مرگ و میر را در سرنشینان صندلی عقب، ۲۵ تا ۷۵ درصد کاهش دهد.**

**اجرای طرح «کاهش» از اول آبان در پایتخت**

**ایسنا** | معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران اعلام کرد که از اول آبان ماه طرح کاهش آلودگی هوای تهران (LEZ) اجرا می‌شود. محسن پورسیدآقایی دیروز در نشست خبری خود با اعلام اجرای طرح کاهش از اول آبان ماه در همه سطح شهر به‌صورت ۲۴ساعته گفت: «دومسأله آلودگی هوا و ترافیک دغدغه مهم تهرانی‌هاست که همه بر نامه‌های مانیز حول این موضوع می‌گردد.» به گفته او، بر اساس آمارها سالانه ۵هزار نفر بر اثر عوارض ناشی از آلودگی هوا جان می‌دهند، این در حالی است که ۷۰ درصد آلودگی هوای تهران نیز ناشی از تردد وسایل حمل‌ونقل است. بر اساس اعلام این مسئول، از اول آبان ماه باید تمام خودروها معاینه‌فنی داشته باشند. پورسیدآقایی افزود: «دوربین‌ها خودروهای فاقد معاینه‌فنی را از اول آبان جریمه می‌کنند و جریمه ۵۰ هزار تومانی در انتظار خودروهای فاقد معاینه‌فنی است.»

**گزارش «شهروند» از روستاهای اطراف شهری که نقص عضو کودکان مشغول به کار در کارگاه‌ها، موضوعی رایج است**

# انگشت‌هایت کو عبدالله جان؟

| اناز محمدی |

**• انگشت‌هایت کجاست عبدالله جان؟**

«انگشت‌هایم را ز بردستگاه پرس جا گذاشتم.»

در روستای عباس‌آباد، بچه‌ها انگشت ندارند؛ نه همه‌شان، خیلی‌هایشان؛ در روستای عباس‌آباد، در جنوب‌شرقی‌ترین جای شهری، آنجا که سال‌هاست تعداد مهاجران افغانستانی و پاکستانی‌اش از ایرانی‌ها بیشتر است و البته بچه‌های کارگرش هم، بچه‌ها در کارگاه‌ها کار می‌کنند، در کارگاه‌های چوب‌پرده‌سازی، هالوژن‌سازی، ابزارآلات و قالب‌م‌درست‌کنی. آنها از صبح می‌روند در این کارگاه‌دنبال یک لقمه نان می‌گردند و خیلی وقت‌ها از خستگی همتاجا خوابشان می‌برد تا صبح فردا؛ خیلی وقت‌ها از خستگی موقع کار خوابشان می‌برد و انگشت‌هایشان را و مع دست‌هایشان را زیر دستگاه جامی گذارند و وقتی به خودشان می‌آیند که خون همه جا بر باداشته و لخته‌ای از گوشت و استخوان‌های نیمه‌از دست‌هایشان آویزان است.

آنها این را نمی‌دانند که «براساس ماده ۶۶ قانون تامین اجتماعی، کارفرما و نمایندگان او موظفند تمامی تدابیر لازم را برای ایمنی کارگاه به کار گیرند. در صورتی که ثابت شود وقوع حادثه یا بروز بیماری مستقیماً ناشی از رعایت نکردن مقررات حفاظت فنی و ناشی از رعایت نکردن مقررات بهداشتی و احتیاط لازم از طرف کارفرما یا نمایندگان او بوده، صندوق تامین اجتماعی هزینه‌های مربوط به معالجه و غرامت مستمری‌ها... را می‌پردازد و طبق ماده ۵۰ قانون آن را از کارفرما مطالبه و وصول خواهد کرد.»

**• آن روز کی بود عبدالله جان؟**

«سه‌سال پیش وقتی ۱۱ساله بودم.»

در روستای عباس‌آباد، بچه‌های کارگر، افغانستانی‌اند و این برای صاحب‌های کارگاه‌ها خوب است؛ چه چیز بهتر از مهاجر بدون اوراق هویت‌بودن و البته بچه‌بودن؟ آنها این بچه‌ها را به کار می‌گیرند و کمترین حقوق را می‌دهند. مردم محل می‌گویند کارگران این کارگاه‌ها چون با دستگاه‌های پرس و برشکاری و... کار می‌کنند، دچار آسیب‌ونقص عضو می‌شوند و تعدادشان در روستاهای اطراف شهری زیاد است. این روستاها چون دورند و شرایط خاصی دارند، مهاجر زیاد دارند و به همین دلیل هم بیشتر جمعیت این روستاها، مهاجران افغانستانی، کم‌وبیش پاکستانی، خیال‌بنگلادش‌نیچر‌ه‌اند.

سرایدار مدرسه‌ای در عباس‌آباد که معتمد محله است، تعدادی از این بچه‌ها را معرفی کرده؛ بچه‌هایی را که از وقتی نقص عضو شده‌اند، دیگر مدرسه نمی‌روند. او می‌گوید بیشتر خانواده‌هایی که در عباس‌آباد زندگی می‌کنند، از بین بچه‌ها یا بزرگسالان، کسانی را دارند که در کارگاه‌ها نقص عضو شده‌اند. آنطور که اعضای جمعیت امداد دانشجویی - مردمی امام‌علی(ع) در شهرداری می‌گویند، مسأله دیگر که مکمل نقص عضو یا آسیب‌هایی است که به بچه‌ها می‌رسد، سوءاستفاده‌هایی است که کارفرماها از بچه‌های کارگر می‌کنند، یعنی این که از یک کودک به اندازه یک آدم بزرگ با همان زمان کاری و... کار می‌کشند و شاید یک‌سوم حقوق کارگران بزرگسال را هم به او ندهند؛ یعنی یک بچه می‌آید کارگاه و از صبح تا شب کار می‌کند، ولی چون سنش کم است، ۱۸هزار تومان در ماه به او حقوق می‌دهند یا نهایتاً ۲۰هزار تومان. بیشتر کارفرماها بچه‌ها را برای کار کردن تحت فشار می‌گذارند. برای آن بچه‌هایی هم که به مدرسه می‌روند - اگر کارفرما رضایت دهد که برود و نصف روز را کار کند- همان حقوق ۲۰هزار تومان نصف می‌شود آن هم با این شرط که «اگر وقتی زمان مدرسه تمام شد و روز بعدش نیامدی سر کار، اجازه نمی‌دهم که سه ماه تابستان را بیایی

کارگاه و حقوق کامل را بگیري.» آنها برای پیگیری قانونی این موضوعات هم دستشان بسته است؛ سواد درست و حسابی و اوراق هویتی ندارند؛ برای همین است که کارفرماها ایمنی آنها را هم رعایت نمی‌کنند.

بچه‌های کارگر در روستای عباس‌آباد و روستاهای اطرافش اعتراضی ندارند، چون نمی‌دانند که «براساس ماده ۷۹ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، به کارگماردن افراد با سن کمتر از ۱۵سال تمام شمس ممنوع بوده و این موضوع در مورد دختر و پسر یکسان است. بکارگیری کودکان در کارگاه خلاف قانون است و مسئولیت کیفری دارد و در صورت بروز حوادث برای افراد خردسال مجازات‌های شدیدتری برای کارفرمایان به‌دنبال خواهد داشت.»

## ”

**از هر ۵ بچه، یک نفر نقص عضو دارد**

زهرایمان، عضو جمعیت امداد دانشجویی - مردمی امام‌علی(ع) که در شهری فعالیت می‌کند، وضع روستاهای شهری را از نزدیک دنبال کرده و حالا حرف‌های زیادی برای گفتن دارد: «در طرح کوچه‌گردان عاشق سال ۹۷ در مناطق زمان‌آباد، عباس‌آباد و قاسم‌آباد فهمیدیم که در این سه روستا، کار کودکان به شدت زیاد است و در هر روستایی، جنس کار فرق می‌کند. مثلاً در زمان‌آباد، زباله‌گردی کودکان به دلیل کارگاه‌های بسیار تفکیک‌زباله زیاد است، در عباس‌آباد به دلیل وجود شهرک صنعتی بهارستان و کوه و کارگاه‌های کوچک و بزرگ در داخل روستا، بحث کار کودک بیشتر به کارگاه‌های صنعتی معطوف می‌شود که خیلی‌هایشان اصلاً مناسب این بچه‌ها نیست. خطرات زیادی متوجه آنها می‌شود و می‌توان گفت از هر ۵ بچه، یک نفر نقص عضو دارد و دچار آسیب‌هایی است که در این کارگاه‌ها سراسر آغشان می‌آید. کارگاه‌های برشکاری و جوشکاری، فرفورزه، هالوژن‌سازی و کارهایی که با آهن انجام می‌شود در این روستاها زیاد است.» این موضوع اما ابعاد دیگری هم دارد: «روستای زمان‌آباد را به کارگاه‌های تفکیک‌زباله‌اش می‌شناسند و ۹۰درصد نیروی کار آنها کودک‌کند، کودکان زیر ۱۴سال. آنها شب‌های قبلیش را تا صبح در خیابان‌ها اشغال جمع می‌کنند و بعد آنها را برای دیوبی می‌آورند کارگاه‌ها وقتی کارشان تمام می‌شود از حال می‌روند. دنیای آنها زباله‌است، انگار هیچ چیز دیگری وجود ندارد. عباس‌آباد هیچ فضای مناسبی برای گروه سنی جوان و نوجوان ندارد؛ خانه‌است و کارگاه و مسجد، تمام شد و رفت. مادر قاسم دلش گرفته و می‌گوید این جایک پارک و فضای آموزشی ندارد که بچه‌من بعد از مدرسه مجبور نباشد بروم سر کار.

زن‌های عباس‌آباد در خانه کار می‌کنند، با حقوق‌هایی اندک. آنها در خانه دستگیره قابل‌م‌درست می‌کنند و... یک کارگاه پیاز سرخ‌کنی هم آن‌جاست که خانواده‌ای با وضع اسفناک در آن کار می‌کنند، خانواده‌ای که مردش معنات است و زن آن با ۵ بچه در آن کار می‌کنند، او به‌ازای پوست‌کنند و خرد کردن هر یک کیلو پیاز، ۹۰ تا تک تومنی می‌گیرد و تعداد این زن‌ها کم‌نیست.»

نداده و خسارتی هم پرداخت نشده است. «دست این بچه را ما تا مدتی ندیدیم، دست‌هایش را بسته بودند و می‌گفتند خوب می‌شود. صاحبکارش می‌گفت او عمدا دستش را زیر دستگاه کرده تا دبه بگیرد در حالی که تعدادی از کارگران بنگالی را خودم می‌شناسم که در کارگاه‌ها دستشان قطع شده است.» مادر عبدالله آن زمان نمی‌دانست که «به موجب ماده ۹۰ قانون تامین اجتماعی، افراد شاغل در کارگاه‌ها باید قابلیت و استعداد جسمانی متناسب با کارهای را در داشته باشند، به این منظور کارفرمایان مکلفند قبل از به کار گماردن آنها ترتیب معاینه پزشکی آنها را بدهند. در صورتی که پس از استخدام مشمولان قانون معلوم شود نامبردگان در حین استخدام قابلیت و استعداد کار مرجوع را نداشته و کارفرما در معاینه پزشکی آنها تطلل کرده است در نتیجه بیمه شده دچار حادثه یا بیماری‌اش تشدید شده، صندوق تامین اجتماعی می‌تواند هزینه‌های مربوطه را طبق ماده ۵۰ این قانون از کارفرما وصول کند.»

**• بعدش چه شد عبدالله جان؟ تو را کجا بردند؟**

«کارفرما مرا به جای بیمارستان به در مانگاه شخصی برد. دو انگشتم قطع شده و یکی پوست و گوشتش آسیب‌دیده بود اما

استخوان داشت هنوز؛ دکتری که آن جا بود، کار را اسمبل کرد و استخوان را برید تا بتواند بخیه بزند.»

بچه‌های مهاجر را وقتی با بدن‌های زخمی و خونی در کارگاه‌ها پیدا می‌کنند تا بشود سعی می‌کنند سر و ته ماجرا را طوری هم بیاورند. ایسن را خانواده‌هایی که در عباس‌آباد شهری، بچه‌هایشان را با این اوضاع دیده‌اند، می‌گویند. عبدالله هم آن روز، سه تا چهار ساعت بدون بی‌هوشتی در درمانگاه بوده و دکتر رویش کار می‌کرده تا موضوع سر هم شود. هنوز نتیجه پرونده مشخص نیست؛ حتی از وزارت کار بازرس فرستادند او یک درصدی بچه را مقصر دانسته که چرا در این سن کار می‌کند و چرا رفته پای دستگاه پرس ایستاده است. یعنی مقصر صد درصد کارفرما شناخته نشده بود. «این همه‌سال گذشته ولی هیچی به‌هیچی.»

عبدالله و خانواده‌اش نمی‌دانند بر اساس ماده ۳۲ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودکان که ایران هم به آن پیوسته، کودک باید در برابر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می‌کند، حمایت شود.

**• • •**

**• غیر از خودت، دیگر چه کسانی را می‌شناسی که انگشت‌هایشان را از دست داده‌اند؟**

«همین پسر میوه‌فروش سر کوچه. او ایرانی است و وقتی ۱۸ساله بود انگشت‌هایش را در کارگاه دست داد.»

عبدالله می‌گوید آدم‌های مثل خودش را در منطقه زیاد سراغ دارد. پسر همسایه آنها وقتی بچه بود انگشتش را از دست داد و حالا ۲۰ساله شده؛ او یکی از بزرگسالانی است که دستگاه در کارگاه، انگشت‌هایش را از او گرفته و مجبور است حالا با یک دست برای خودش کار پیدا کند.

«محمد» نام پسر همسایه است؛ او ۱۲سالش بود که دستگاه، ۴انگشت دست راستش را گرفت و حالا از آن زمان ۵سال گذشته و او و درست‌پدرش در میوه‌فروشی عباس‌آباد است. پدر محمد می‌گوید آن زمان اول راهنمایی بود و در کارگاه ساخت میله پرده کار می‌کرد. آنها بعد حادثه، ۴۰میلیون تومان دیه گرفتند اما مدت‌ها محمد همیشه بدون انگشت ماند. بعدش دیگر مدرسه هم نرفت، افسرده شد و آمد میوه‌فروشی پدرش. پدر محمد هم می‌گوید این منطقه از این بچه‌ها کم ندارد؛ نه‌نواهنش پسر همسایه که دستش از مچ قطع شد. بعد از آن ماجرا محمد دیگر نتوانست جایی کار پیدا کند: «گفتم بیا پیش خودم، چاره‌ای نیست.» روز حادثه هم که همیشه حکایت خودش را دارد، «ساعت ۸شب بود یکی آمد گفت دست بچه‌ات رفته زیر پرس. زنگ زدم صاحبکارش گفت چیزی نشده، یک انگشتش قطع شده. آنها مدام می‌گفتند بیا کدخدانمشی تمامش کنیم برویم ولی من تا آخرش ایستادم.» محمد از ساعت ۸صبح تا ۱۰شب در آن کارگاه کار می‌کرد و حدود ۳۰ تا ۴۰هزار تومان حقوق می‌گرفت. «قرار بود برای بچه‌ام دست پلاستیکی بگذارند اما نگذاشتند؛ زندگی بچه‌ام تباه شد و رفت.»

مدرسه عبدالله، کم‌ندارد از دانش‌آموزانی که انگشت‌هایشان را در کارگاه‌ها از دست می‌دهند؛ برای همین هم است که معلم‌ها هر چند وقت یک‌بار به بقیه دانش‌آموزان یادآوری می‌کنند که مبادا آنها را از دست بدهند.

شاید آنها می‌دانند که «بر اساس آمار سازمان جهانی کار، سالانه ۲۵۰میلیون کودک ۵ تا ۱۴ساله در جهان از کودکی محروم می‌شوند، طبق این آمار ۱۲۰میلیون نفر از آنها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام وقت هستند و ۶۱درصد این کودکان در آسیا، ۳۲درصد در آفریقا و ۷درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند.»